

تحلیل و بررسی نقش مردم استان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی ایران

ماشالله ایزدی^۱

فیض الله بوشاسب گوشه^۲

سید علیرضا ابطحی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

در پژوهش حاضر هدف اصلی، بررسی نقش مبارزاتی کانون‌های انقلابی استان چهارمحال و بختیاری در شکل‌گیری مبارزات مردمی با تأکید بر نقش روحانیون در پیروزی انقلاب اسلامی است. روش تحقیق، تاریخی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. در این باره ضمن معرفی مهم‌ترین مراکز و کانون‌های انقلابی استان در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، با تأکید بر نقش روحانیون به عنوان پیشگامان حرکت‌های انقلابی در استان به چگونگی پیدایش و روند شکل‌گیری مبارزات مردمی و نحوه عملکرد مردم مبارز استان پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین کانون‌های مبارزاتی استان، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، هیئت‌های مذهبی و مجالس خانگی بوده‌اند که در راستای ترویج عقاید انقلابی فعالیت می‌کردند. فعالان انقلابی از جمله روحانیون، فرهنگیان و بازاریان در این کانون‌ها با ترویج عقاید انقلابی و سازماندهی و تنظیم فعالیت‌های مبارزین، دست به اقدام عملی زدند. آن‌ها با شرکت فعال در راهپیمایی‌ها، تظاهرات، و سایر اقدامات مبارزاتی، به نوبه خود نقش مؤثری در تحقق انقلاب ایفا کردند. در این باره روحانیون اصلی‌ترین مروج ارزش‌های انقلابی در بین مردم و عامل همبستگی و وحدت مبارزین بودند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، کانون‌های انقلابی، مبارزات مردمی، روحانیت، چهارمحال و بختیاری.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

^۲ استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

^۳ استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مقدمه

از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران، حضور گسترده و تعیین کننده مردم در آن بود؛ به طوری که مردم شهرهای مختلف کشور در مراحل شکل گیری انقلاب نقش اساسی را به عهده داشتند و غالباً علما و روحانیون به عنوان مروج ارزش‌ها و تعالیم انقلاب در میان اقشار مختلف مردم دارای نقش بسزایی بودند. شبکه گسترده روحانیون در شهرها و مناطق مختلف کشور مانند رسانه‌ای پر قدرت، به سازماندهی و انتقال اطلاعات مربوط به انقلاب مشغول بودند و پیام‌های امام خمینی (ره) در شهرها و مناطق مختلف کشور از این طریق انتقال پیدا می‌کرد.^۱

استان چهارمحال بختیاری واقع در جنوب غربی کشور به مرکزیت شهرکرد، در جنوب اصفهان و شمال استان خوزستان واقع شده است. نگاهی گذرا به گوشه‌ای از سوابق برجای مانده از انقلاب، گویای آن است که مردم این استان، از آغازین روزهای حرکت امام خمینی (ره)، در صحنه‌های گوناگون انقلاب اسلامی حضور داشته‌اند.^۲

حضور هزاران تن از مردم شهرکرد در همراهی با مردم فارسان در تشییع جنازه و خاکسپاری شهید داوودی (در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷)، شرکت گسترده مردم شهرکرد با نقش مؤثر روحانیت در راهپیمایی روز ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در حمایت از دولت بازرگان و پیوستن اکثر سازمان‌های اداری شهرکرد با صدور اطلاعیه‌ها به تظاهر کنندگان و تدارک راهپیمایی بزرگ، حمایت از دولت منتخب امام در روز ۱۸ بهمن ۵۷، از جمله فعالیت‌های مردم در این روزها است. در شهر بروجن نیز به همین مناسبت تظاهراتی در ۱۸ بهمن برگزار گردید. راهپیمایی‌های مردم در تأیید دولت منصوب امام مستلزم نفی دولت شاه یعنی برکناری شاپور بختیار بود، زیرا امام خمینی در پیامی که برای مردم و ملت ایران فرستادند دولت بختیار را غیر قانونی معرفی کردند.^۳ شاپور بختیار به رغم خاستگاه ایلی نه تنها نتوانست هیچ جایگاهی در میان مردم استان چهارمحال و بختیاری به دست آورد بلکه به عنوان فردی خائن و وابسته که مانعی بر سر راه خواسته‌های مردم بود مورد استهزاء مردم قرار گرفت.^۴

نگارندگان در این پژوهش برآنند که ضمن بررسی راه‌های گسترش جریان‌ها و امواج انقلابی در استان، به چگونگی پیدایش و روند وقوع انقلاب اسلامی در استان پردازند. به عبارتی نشان دهند که مردم استان در فرایند انقلاب در قالب کانون‌های مبارزاتی چه نقشی را ایفا کرده‌اند و نقش ویژه روحانیون در ترویج ایدئولوژی انقلابی و ایجاد همبستگی میان مبارزین در استان چه بوده است؟

انقلاب دینی و کانون‌های انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی با مضمون و محتوای دینی بود. رفتار انقلابی مردم به شدت از اعتقادات دینی و باورهای آنان سرچشمه می‌گرفت. شعارهای آنان اغلب مضمون مذهبی، و با اسلام، قرآن و خداوند پیوند ناگسستنی داشت. رهبران انقلاب را عمدتاً علما و روحانیون تشکیل می‌دادند و جریان‌ها و احزابی که در حاشیه یا هم دوش مردم مسلمان به انقلاب پرداختند، خواه ناخواه با مذهب، اعتقادات و خواسته‌های عمومی مردم همسو بودند یا خود را همسو نشان می‌دادند و جان مایه‌ی مذهبی انقلاب از نگاه آنان چنان هویدا بود که اکثر این گروه‌ها و احزاب نیز سعی می‌کردند با آهنگ دینی انقلاب همراه شوند. اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، قطعنامه‌های انقلابی با نام خداوند شروع می‌شد و با آیه‌ها و مضامین دینی و قرآنی ختم می‌گردید.

مساجد، اماکن دینی و مذهبی محل تجمع و نمایش قدرت جمعی بود. در میان اماکن دینی مساجد و حسینیه‌ها نقش مهم تری داشتند؛ مساجد همواره از آغاز رسالت پیامبر اسلام (ص) مرکز تجمع و گردهمایی مسلمانان در مقیاس کوچک تری از آیین عبادی حج بود؛ جایگاهی که مسلمانان از ابتدا در آنجا جمع می‌شدند و علاوه بر عبادت و پرستش حق تعالی، مشکلات خود را با همراهی بزرگان دینی و برادران مسلمان حل و فصل می‌کردند. حسینیه‌ها نیز در سنت مذهبی تشیع منبع الهام، مبارزه و بزرگداشت سرور و سالار شهدا، بزرگ مصلح آیین محمدی، حسین بن علی (ع) است که در راه اصلاح دین پیامبر اکرم (ص) و در طریق عدالت به شهادت رسیده بود.

ترویج جهاد، شهادت، ظلم ستیزی و عدالت جویی در این اماکن تجلی پیدا می‌کرد. روضه، سوگواری، موعظه، نماز، دعا و نیایش در آن‌ها صورت می‌گرفت و یاد و خاطره‌ی ائمه (ع)، طرح مباحث اصلاحی و تبلیغ دینی در این اماکن صورت می‌پذیرفت. این دو مکان مقدس به نسبت سایر اماکن مقدسه‌ی دیگر در شهرهای کوچک و بزرگ بیشتر بودند و از دیر زمان مردم مسلمان و متعهد شیعه با آن‌ها پیوندهای بسیار تنگاتنگ، تاریخی و عمیق داشتند.^۵

در استان چهارمحال و بختیاری مراکز جذب جمعیت‌های دینی، مراکز تجمع انقلابیون بود. مساجد، حسینیه‌ها و سایر کانون‌های مبارزاتی مثل حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مدارس و منازل شخصی با تأسیس و فعالیت هیئت‌های مذهبی و انجمن‌های اسلامی در اشکال مختلف به عنوان مهم‌ترین کانون‌های مبارزاتی محسوب می‌شدند که در این پژوهش ضمن بررسی نقش مساجد و

حسینیه‌ها به عنوان مهم‌ترین مراکز نشر عقاید انقلابی در استان، سایر اماکن و کانون‌های انقلابی و ائتلاف‌های انقلابی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تاثیر کانون‌های انقلابی در انتشار و پیشبرد عقاید انقلابی

از میان کانون‌های مبارزاتی که در استان وجود داشت، برخی مراکز به عنوان کانون‌های مرکزی نشر عقاید و اخبار انقلابی بودند و انقلابیون برای پیشبرد امور انقلابی خود را از آن‌ها بیشتر استفاده می‌کردند که برای آشنایی بیشتر با ریشه‌های اعتقادی مردم، پیشینه مذهبی و نقش تاریخی این اماکن به معرفی برخی از این اماکن مذهبی - تاریخی و مساجد مهم استان چهار محال و بختیاری پرداخته می‌شود:

۱- نهادهای مذهبی

مطالعه تاریخ معاصر کشور نشان می‌دهد که مساجد و حسینیه‌ها به عنوان مراکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش مهمی در ایجاد حرکت‌های اجتماعی و سیاسی و جهت دهی به حرکت‌ها و جریان‌ها مردمی داشته‌اند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده از شبکه‌های مردمی که غالباً در قالب‌های مذهبی شکل گرفته بودند، فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند.^۶

مساجد حلقه ارتباط مردم با روحانیون بود که این ارتباط را به خوبی مستحکم می‌کرد و بهترین مکانی بودند که روحانیون می‌توانستند از طریق چهره به چهره با مخاطبین ارتباط برقرار کنند. معمولاً روحانیون و بازاریان برای بسیج عمومی مردم به مساجد متوسل می‌شدند.^۷ بنابراین در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، شبکه‌های اجتماعی مذهب محور (مساجد، هیئت‌ها، حسینیه‌ها و...) یکی از عمده‌ترین مکان‌های آگاه‌سازی، تجمع و اعتراض مردم و شکل‌گیری تظاهرات علیه رژیم شاه بود. در واقع تجمع جمعیت که عامل مهمی در شکل‌گیری توده‌هاست و نقش به‌سزایی در شکل‌گیری تظاهرات و اعتراضات مردمی علیه رژیم شاه داشت از این شبکه‌ها ریشه می‌گرفت. بر همین اساس در اینجا به معرفی و تحلیل عملکرد مساجد و حسینیه‌هایی که در پیروزی انقلاب به عنوان کانون تجمع و مأمّن مبارزین انقلابی در استان فعال بوده و بیشترین نقش را داشتند پرداخته می‌شود:

مسجد خان شهرکرد

مسجد خان یکی از مساجد بزرگ شهرکرد است که در سال ۱۲۷۰ هـ.ق. و به دستور یکی از خوانین چالستری ساخته شد. چون این مسجد در مرکز شهر قرار دارد، همواره مورد توجه مؤمنین بوده و از مساجد فعال در فعالیت های مذهبی و فرهنگی محسوب می شود. شیخ حسینعلی داودی بنی از جمله روحانیونی بود که در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی برای نماز و سخنرانی به این مسجد می آمد و ضمن ادای نماز به سخنرانی و روشنگری می پرداخت.^۸

اما این مسجد به مرور زمان و به خاطر فزونی اقدامات و تجمعات انقلابیون، در این مکان و توجه و حساسیت ساواک به این مسجد و شناخته شدن آن به عنوان یک مرکز اصلی تجمع انقلابیون، تشخیص داده شد که تعدادی از این جلسات در اماکن ناشناخته تر تشکیل گردد. در اظهار نظر یکی از مأموران ساواک در باره دلیل برگزار نشدن جلسات کنفرانس مذهبی جوانان یا «کانون بحث و انتقاد» در این مکان آمده است که «به نظر این جانب چون مسجد خان برای مراسم رسمی مورد استفاده قرار می گیرد، شاید تعدادی که مایل نیستند جلسات کنفرانس در مسجد خان تشکیل شود، به این دلیل است که این مخالفت را سرپوشی بر عملیات خود فرض می کنند، چون تصور می کنند که ممکن است مأمورین به مسجد خان توجه داشته باشند».^۹

مسجد اتابکان

مسجد اتابکان در هسته مرکزی اولیه تاریخی شهرکرد واقع شده است و در دوره اتابکان لر در قرن هفتم هـ.ق. به سبک مساجد قرون اولیه اسلامی ساخته شده است. این مسجد به سال ۱۳۵۱ به شماره ۹۲۹ جزء آثار ملی به ثبت رسیده و توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مسجد امام صادق (ع) تغییر نام داد. حجت الاسلام والمسلمین صفر نورالله که به نوراللهی شهرت داشت، در سال ۱۳۵۷ هـ.ش پیش نماز مسجد اتابکان و از علمای مشهور انقلابی و سرپرست مدرسه امامیه شهرکرد بود. وی ضمن اشاعه افکار انقلابی و بیدارگری های خود در مناظر و خطابه و مدیریت جلساتی که فعالان انقلابی در این مسجد می گرفتند، از روحانیون انقلابی در مناسبت های مختلف از جمله محرم و صفر دعوت می کرد، سخنرانان نیز درباره وقایع و حوادث انقلابی و اندیشه های امام خمینی (ره) برای مردم سخن می گفتند، و بدین سان در نشر عقاید انقلابی در افکار عمومی مردم استان تأثیر به سزایی داشت.^{۱۰}

مسجد جامع شهرک

شهرکیان در شش کیلومتری جنوب غربی فرخشهر و جنوب شرقی شهرکرد واقع شده است این مسجد با قدمتی که دارد از گزند حوادث روزگار محفوظ نمانده است، احتمالاً در حمله مغول خراب شده و مجدداً به همت علی بیک، سردار نامی نادرشاه بازسازی شده است. در این مسجد بسیاری از تجمعاتی که فعالان انقلابی در این شهر داشتند، صورت می‌گرفته. می‌توان گفت اصلی‌ترین مرکز تجمع و بحث پیرامون مسائل مربوط به انقلاب و پیام‌ها و اقدامات امام(ره)، در شهرک(شهر کیان فعلی) این مسجد بوده است.^{۱۱}

مسجد جامع چالستر

این مسجد در سال ۱۲۶۷ ه.ق. به دستور حاج محمدرضاخان چالستری در ۹ کیلومتری شهرکرد ساخته شده است. انقلابیون در چالستر برای تصمیم‌گیری و مشارکت در فعالیت‌های انقلابی در این مسجد گرد هم می‌آمدند. هم‌چنین این مسجد مانند سایر مساجد در ترویج پیام‌های امام خمینی (ره) و آگاهی از رویدادهای مربوط به انقلاب در قم، تهران و سایر شهرها نقش مؤثری داشت. در این مسجد به وسیله سخنرانی‌ها و افشاگری‌های روحانیون در منبرهایی که به دنبال نماز جماعت برپا می‌شد، مردم در جریان حوادث انقلابی قرار می‌گرفتند.^{۱۲}

مسجد حاج شیخ علی

این مسجد در محله کاروانسرای بروجن واقع شده است و براساس کتیبه‌ای که تا چندی پیش در مسجد موجود بود بنای اولیه آن در دوره صفویه گذاشته شد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش. روحانیون مدعو در این مسجد حضور پیدا می‌کردند و به ارشاد و راهنمایی جوانان می‌پرداختند. این مسجد یکی از کانون‌هایی بود که جوانان انقلابی در ماه رمضان ۱۳۵۷ برای آشکار ساختن مخالفت خود با رژیم اولین فعالیت خود را در بروجن از آن جا آغاز کردند.^{۱۳}

مسجد صاحب الزمان (عج) شهرکرد

مسجد صاحب الزمان (عج) در خیابان سعدی غربی و به جای کاروانسرای میرحقانی، در سال ۱۳۵۴ ه.ق. در شهرکرد احداث گردیده است. تا قبل از احداث مسجد امام حسن (ع) در محل دروازه سامان و مساجد کوی فرهنگیان و خیابان تختی، این مسجد تنها مسجد غرب شهرکرد محسوب می‌شد. در این مسجد ضمن آگاهی بخشی در زمینه رویدادهای انقلابی و نشر عقاید انقلابی،

اعلامیه‌ها و پیام‌های امام خمینی(ره) نیز انتشار و به سمع و نظر طبقات مختلف مردم می‌رسید. به عنوان نمونه در اسناد ساواک پخش یکی از این اعلامیه‌ها که شامل متن استفتائیه و پاسخ امام خمینی(ره) در زمینه منع مردم از عضویت در حزب رستاخیز و این که حزب مذکور برخلاف مصالح مردم ایران است، گزارش شده. مسجد صاحب الزمان شهرکرد محل برگزاری نمازهای یومیه توسط آیت الله حاج سید عطاء الله احمدی و یکی از مراکز روشنگری در سال‌های ۵۶ و ۵۷ بود.^{۱۴}

مسجد جامع فرخشهر

این مسجد در جنوب میدان مرکزی فرخشهر قرار دارد و از قدیمی ترین و بزرگترین مساجد این شهر محسوب می‌شود. مسجد جامع فرخشهر از جمله مساجدی بوده است که روحانیون برای انجام تبلیغات و ایراد سخنرانی و زمینه سازی برای همگامی مردم با قیام‌ها و اقدامات انقلابی در استان به آن جا رفت و آمد می‌کردند.^{۱۵}

مسجد جامع بروجن(مسجد آقاضیاء مدنی)

مسجد آقاضیاء از مساجد قدیمی شهر بروجن (متعلق به دوره قاجار) است که در مرکز شهر بروجن و در نزدیکی میدان مرکزی در خیابان ۱۵ خرداد و در مجاورت مسیر قنات و نهری در یکی از قدیمی ترین محلات شهر قرار گرفته و از نظر موقعیت مکانی حدود یک متر از سطح خیابان پایین تر است. در کنار این مسجد خانه عالمی قرار داشت که اغلب روحانیون در آن اسکان می‌یافتند و به دلیل نزدیکی به مسجد برای وعظ و خطابه آن را انتخاب می‌کردند. هم چنین به دلیل موقعیت مکانی‌ای که مسجد جامع در بروجن داشت از مراکز اصلی رفت و آمد انقلابیون بوده و اعلامیه‌های انقلابی زیادی در این مسجد پخش و به دست مردم می‌رسیده است.^{۱۶}

حسینیه حاج کرامت بروجن

حسینیه‌ها در قالب هیئت‌های عزاداری، یکی از کانون‌های مذهبی هستند که توده‌های مردم در آن‌ها حضور می‌یافتند و به دلیل آن که محدودیت مساجد را نداشتند بیشتر مورد استفاده انقلابیون قرار می‌گرفتند. حسینیه کرامت در سال ۱۳۴۸ توسط برخی از خیران بروجنی و کمک‌های مردمی ساخته شد و در جریان انقلاب یکی از کانون‌های مهم تجمع انقلابیون به شمار می‌آمد. یکی از دلایل مهم تبدیل این حسینیه به کانون مبارزات انقلابی، انقلابی بودن متولیان این حسینیه بود چنان که آن‌ها به مناسبت‌های مختلف به تهران و قم و حتی مشهد مسافرت می‌کردند تا روحانیون

مبارز و خطیب را به مجالس خود دعوت کنند. حتی ساواک بارها مردم را به قفل نمودن این حسینیه تهدید نمود. اغلب اوقات محل تجمع مردم برای شروع تظاهرات از این حسینیه بوده است.^{۱۷}

حسینیه اعظم شهرکرد

حسینیه اعظم شهرکرد در سال ۱۳۴۷ ه.ش. در ابتدای بولوار دکتر شریعی (پس از چهار راه حافظ) احداث گردید. این حسینیه اولین حسینیه در شهرکرد محسوب می‌گردد که ابتدا دارای یک شبستان بوده که بعدها با احداث شبستان مردانه قسمت قدیمی آن به منظور استفاده بانوان اختصاص داده شد. در این مکان نیز مانند سایر کانون‌های نشر عقاید انقلابی علاوه بر افشاگری‌هایی که به دنبال اقامه نماز توسط روحانیون در منابر انجام می‌شده، محلی بوده برای تشکیل جلسات انقلابیون و فعالان انقلابی و اخذ تصمیمات برای انجام فعالیت‌های انقلابیون. حجت الاسلام و المسلمین سید اصغر ناظم زاده که توسط عده‌ای از انقلابیون از قم به شهرکرد دعوت شده بود از جمله روحانیونی بود که در این حسینیه به منبر می‌رفت و سخنرانی‌های بیدارگرانه‌ای را در زمینه انقلاب اسلامی برای مردم ایراد می‌نمود.^{۱۸}

تکیه (حسینیه) شترخان بروجن

این حسینیه در خیابان طالقانی و حدفاصل میدان امام حسین (ع) و میدان شهید ناغانی واقع در شهرستان بروجن است و تاریخ ساخت آن مربوط به دوره قاجاریه است. حسینیه شترخان مرکزی بود که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی در پی برگزاری نماز جماعت، مراسم‌ها، دعا و مرثیه خوانی به عنوان محل آمد و شد انقلابیون و اطلاع رسانی در زمینه حوادث انقلابی و پیام‌های حضرت امام استفاده می‌شد.^{۱۹} اسناد ساواک نیز حاکی از آن است که این حسینیه یکی از مراکز اصلی‌ای بود که مردم و فعالان انقلابی این شهرستان را برای کسب آگاهی در زمینه حوادث و رویدادهای مربوط به جریان انقلاب در سایر مراکز به خود جذب می‌کرد.^{۲۰}

۲- هیئت‌های مذهبی

روحانیت علاوه بر استفاده از مراسم عزاداری و ایام خاص، از مراسم مذهبی دیگری نظیر جلسات هیئت‌های مذهبی و برنامه‌هایی که برگزار می‌کردند نیز حداکثر بهره‌برداری را می‌نمودند. معمولاً عموم مردم در برنامه‌های برگزار شده توسط هیئت‌ها شرکت می‌کردند و منشاء بسیاری از حرکت‌های مبارزین انقلابی همین جلسات و سخنرانی‌های روحانیون بود. این گونه جاذبه‌ها در واقع تحت تأثیر

روحانیون برجسته‌ای صورت می‌گرفت که جوانان به آن‌ها اعتقاد و اعتماد داشتند.^{۲۱} از میان هیئت‌هایی که در استان فعالیت می‌کردند، گروه‌های سیاسی و هیأت‌های زیر بیشترین نقش را در فعالیت‌های انقلابی داشته‌اند:

هیئت ابوالفضل (ع)

در شهرکرد هیأت ابوالفضل (ع) به همت مردم مؤمن و متدین در سال ۱۳۵۵ ه.ش. تشکیل شده بود و به طور مرتب برنامه‌های مذهبی در سطح شهر برگزار می‌کرد. این هیأت توسط محمد مشرف و احمد فدایی اداره می‌شد.

در برنامه‌های آنان روحانیون نیز حضور پیدا می‌کردند. در بعضی مواقع نیز مردم از سخنرانی و ارشادات آن‌ها بهره‌مند می‌شدند. این هیأت در کنار انجمن قرآن که به وسیله چند نفر از طلاب مدرسه امامیه اداره می‌شد. در صبح‌های جمعه توسط حجت الاسلام نوراللهی و با کمک و مشارکت چند نفر از افراد بازاری دعای ندبه برگزار می‌کردند. در واقع مساجد و هیأت‌های مذهبی مأمّن مناسبی برای نشر عقاید انقلاب و آرمان‌های امام در بین اقشار مختلف مردم و در مناطق مختلف کشور بود.^{۲۲} عملکرد موفق هیأت ابوالفضل شهرکرد باعث شد تا در سایر شهرستان‌ها نیز هیأت‌های مشابهی تشکیل گردد. چنان که در فرخ‌شهر هیأت ابوالفضل (ع) نیز توسط روحانی خوش ذوق آن شهر، مرحوم شیخ عبدالعلی سرشاد در مسجد نور فرخ‌شهر تشکیل گردید. این هیأت مورد استقبال بسیار خوب مردم آن شهر قرار گرفت. در همین راستا هیئت‌هایی نیز در روستاهای شهرستان کیار تشکیل گردید که این هیئت‌ها علاوه بر برپایی مراسم سوگواری سیدالشهدا برنامه‌های تبلیغاتی علیه رژیم را نیز دنبال می‌کردند. تقریباً تشکیل بیشتر این هیئت‌های مذهبی با هدف مذهبی و سیاسی به دوران اوج گیری فعالیت‌های مبارزاتی علیه حکومت پهلوی به سال ۱۳۵۶ ه.ش. و بعد از آن مربوط است.^{۲۳}

هیئت محمدیه

هیئت‌های عزاداری بروجن در طول سال فقط در محرم و صفر به ویژه دهه اول محرم فعالیت داشتند. تنها هیئتی که در طول سال فعالیت داشت، هیئت محمدیه این شهر بود که در سال ۱۳۴۲ ه.ش. تاسیس شد. این هیئت برای عرض ارادت بیشتر به حضرت مهدی (عج) و با هدف بیان احکام دین و تفسیر قرآن کریم و نهج البلاغه تشکیل گردید. آن‌ها در طول سال و در هر جمعه در خانه یکی از اعضاء دعای ندبه برگزار و در هر جلسه مباحثی از احکام دین و ترجمه آیاتی از قرآن

کریم و فرازهایی از نهج البلاغه بیان می‌کردند. در ماه رمضان نیز برنامه آنان هنگام عصر برگزار و به جای دعای ندبه، دعای سمات خوانده می‌شد. پس از انقلاب نیز هرچند مدتی آن برنامه اجرا می‌شد ولی با گذشت زمان آن فعالیت ها کاهش یافت اما تعطیل نشد. هم اکنون نیز این هیئت در زمینه برگزاری مراسم‌های مذهبی فعالیت می‌کند.^{۲۴} در بهار سال ۱۳۵۳ ه.ش. ساواک در یک ارزیابی از این هیأت گزارش می‌کند که هیأت دارای اعضای بوده که محوریت برنامه‌های خود را دفاع از آرمانهای انقلاب و امام خمینی(ره) قرار داده اند و در مجالسی که برگزار می‌کنند از امام و برنامه‌های انقلابی شان حمایت و تمجید می‌کنند. لذا رئیس ساواک استان به ساواک بروجن دستور مراقبت و کنترل فعالیت اعضای این هیئت را می‌دهد. یکی از اعضای فعال این هیأت فریدون شایق بروجنی است که مراقبت و کنترل رفتار و اعمالش جزء برنامه‌های حفاظتی ساواک بود. حتی از علی اصغر نوایی از دیگر اعضای فعال نیز پس از یکی دو بار تذکر، تعهد کتبی می‌گیرند که دیگر فعالیت نکنند.^{۲۵}

به رغم این فشارها جلسات هیئت محمدیه با حضور اعضایش، در منازل شخصی از جمله منزل شیخ کمال برجیان تشکیل می‌شد و با دعوت از روحانیون مبارز و برجسته اقدام به برپایی سخنرانی و قرائت دعا می‌کردند.^{۲۶}

انجمن‌های اسلامی

انجمن‌های اسلامی در دوران شکل‌گیری انقلاب بر محور دفاع از دین در برابر افکار مارکسیستی و اندیشه‌های غربی تشکیل گردید و بر همبستگی ملل مسلمان نیز تاکید داشتند. با آغاز نهضت اسلامی جوانان با امام ارتباط برقرار کردند^{۲۷} و شاخه فعالیت آن‌ها به استان‌های دیگر از جمله چهار محال و بختیاری نیز کشیده شد و در اشکال مختلف اقدام به فعالیت نمودند که به نمونه‌های از آن‌ها به شرح ذیل می‌پردازیم:

انجمن قرآن

اعتقاد، علاقه و استقبال مردم از فعالیت‌های قرآنی باعث گردید که «انجمن قرآن» توسط حاج آقا صفرنورالهی و چند نفر دیگر از روحانیون شهر تشکیل گردد. آنان به منظور بالا بردن سطح معنوی و ایجاد جاذبه در این تشکل مذهبی، در صبح هر جمعه با حضور روحانیون و بازاریان و سایر علاقه‌مندان به قرآن کریم دعای ندبه برگزار می‌کردند. در آن جلسات قرآنی که در مدرسه امامیه تشکیل می‌شد هر از گاهی کتب مذهبی نیز معرفی و یا تهیه و در اختیار حاضرین قرار می‌گرفت. ادامه این فعالیت باعث شد که برخی از جوانانی که در برنامه‌های قرآنی شرکت می‌کردند تصمیم به

انتشار نشریه بگیرند. پس از انقلاب این انجمن فعالیت مذهبی خود را ادامه داد و هم اکنون نیز در برگزاری جلسات قرآنی، عزاداری‌ها و اعیاد مذهبی فعالیت دارد.^{۲۸}

انجمن مبارزه با بهائیت

تشکیلاتی بود که با هدف اصلی دفاع از اسلام در مقابل بهائیت و تلاش برای فراهم کردن زمینه‌ی ظهور امام عصر (عج) در سال ۱۳۳۲ هـ.ش. به رهبری یک روحانی شیعه به نام شیخ محمود حلبی تأسیس شد. کار آنان فعالیت‌های تبلیغی در قالب منبر، انتشار کتاب و جزوات مذهبی و نقد جدی عقاید بهائیت بود که توانستند جوانان بسیاری را جذب و آن‌ها را با مسائل دینی و اعتقادی آشنا کنند. با این وجود آنان اندیشه انقلابی نداشتند و در سیاست نیز دخالت نمی‌کردند بلکه فعالیت آن‌ها منحصرأً دینی و تبلیغی بود، بر همین اساس اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور امام عصر (عج) نداشتند.^{۲۹} اما این بخش از تفکر آنان در جهت مبارزه با بهائیت در بیشتر استان‌های کشور از جمله استان چهارمحال و بختیاری در قالب انجمن مبارزه با بهائیت نفوذ پیدا کرده بود و برخی از متدینین و مبارزان انقلابی در این انجمن شرکت و فعالیت نموده و فعالیت می‌کردند. اما نکته مورد توجه اغلب مبارزین انقلابی آن بود که اولاً ریشه‌ی نشر بهائیت، خود رژیم پهلوی است و ثانیاً این که مبارزه صرفاً با بهائیت، نوعی انحراف از مسیر مبارزه بر ضد رژیم پهلوی است و انرژی فعال جوانان و تحصیل‌کردگانی که می‌توانستند بار مبارزه را بر دوش بکشند، صرف آیین بهائیت و شیوه‌های تبلیغی علیه این مسلک می‌شود. پس از انقلاب اعتراضاتی بر ضد انجمن آغاز شد و در محافل مختلف فعالیت علیه فعالان آن بالا گرفت. پس از اشاره‌ی غیر مستقیم رهبر انقلاب به انجمن که بدون تصریح به اسم صورت گرفته، از آنان خواسته شده بود که اعوجاجات خود را کنار بگذارند. انجمن در سال ۱۳۶۲ هـ.ش. رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد ولی پس از چندی شماری از وابستگان به انجمن به طور پنهانی فعالیت خویش را استمرار بخشیدند. این در حالی بود که در جریان انقلاب، بسیاری از مرتبطين با انجمن از آن جدا شده و با نهضت همکاری چشمگیری داشتند.^{۳۰}

شاخه‌های این انجمن در استان چهارمحال و بختیاری طی سال‌های قبل از انقلاب در شهرهای شهرکرد، بروجن و فارسان تأسیس شده بود. در این انجمن با دعوت مخفی مردم به ویژه جوانان مسائل دینی و اعتقادی با محوریت مبارزه با بهائیت بیان می‌شد. در این جلسات فرهنگیان و روحانیون در هدایت و رهبری نقش محوری داشتند.^{۳۱} در بسیاری از موارد نیز سخنرانانی از اصفهان

به این جلسات دعوت می‌شد. در مواردی نیز پس از برگزاری جلسات هفتگی و مناظره با بهائیان نتیجه جلسه در چند صفحه برای اظهار نظر و کسب تکلیف نزد علما به اصفهان فرستاده می‌شد.^{۳۲}

انجمن مددکاران امام زمان (عج)

این انجمن توسط گروهی از انقلابیون مذهبی در بروجن تشکیل شد. از مؤسسان این انجمن شهید فریدون مهدیه از فعالان انقلابی متولد ۱۳۱۵ ه. ش. در بروجن بود. وی در فعالیت‌های انقلابی در شهر بروجن و خارج از آن شرکت داشت. مشارکت در تأسیس و اداره انجمن مددکاری امام زمان (عج) و صندوق قرض الحسنه ولی عصر (عج) و شرکت مستمر در جلسات مذهبی از فعالیت‌های قبل از انقلاب شهید مهدیه است. حضور در جبهه‌های حق علیه باطل و شهادت در عملیات محرم (۱۹ آبان ۱۳۶۱) برگ دیگری از کارنامه زرین این شهید گرانقدر است. یکی از فرزندان این شهید، روحانی و جانباز جنگ تحمیلی است. این انجمن ضمن بررسی و شناسایی افراد نیازمند و کمک به آن‌ها، در عملیات و فعالیت‌های انقلابی نیز پیشرو بوده است.^{۳۳}

کانون جوانان اسلامی بروجن

کانون جوانان اسلامی بروجن از سال ۱۳۵۲ ه. ش. به توصیه آیت الله حسین نوری و همکاری سید محمد مدنی (ساکن بروجن و قم)، فعالیت خود را آغاز کرد. برابر گزارش مورخ ۵۲/۸/۱۲ ساواک بروجن، افراد مؤسس کانون و گردانندگان آن عبارت بودند از: امیر حسین غلامی جوشکار، ابراهیم منصوری شاگرد خوار و بار فروشی، سید خلیل اسحاقی سبزی فروش، محمد حسین آرامش مغازه دار و قربانعلی حجتی شاگرد مسگر. آخرین گزارشات ساواک راجع به فعالیت تشکل مذکور، مربوط به اواخر تیر ماه ۱۳۵۴ ه. ش. است. در گزارش مورخ ۵۲/۹/۱۳ ساواک آمده است که اعضاء کانون مذکور با بعضی از طلاب قم از جمله علی اصغر آل اسحق و سید محمد مدنی در ارتباط بوده اند و موجبات نشر عقاید انقلابی و زمینه نارضایتی مردم از حکومت پهلوی را در استان فراهم کرده اند.^{۳۴}

۳- نهادهای آموزشی

سه مرکز عمده که در زمینه ی نهادهای آموزشی در روند انقلاب اسلامی نقش تعیین کننده‌ای داشتند، عبارتند از مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، این مراکز جزء پایگاهها و کانون‌های اصلی مبارزه و انقلاب بودند و در تعمیق و گسترش آرمانها و شعارهای انقلاب اسلامی و پیشبرد نهضت تأثیر بسزایی داشتند هم چنین از مراکز اصلی حضور جوانان در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شدند. به گونه‌ای که نام این مراکز تداعی کننده حضور پرشور جوانان

و آمیخته با نام آنان بود. در ذیل به معرفی و بررسی تأثیر این مراکز در انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته می‌شود.

مدرسه علمیه امامیه مأمین انقلابیون

تأسیس حوزه ی علمیه امامیه شهرکرد در سال ۱۳۱۵ هـ.ق. توسط عالم ربانی مرحوم سیدمحمد حسنی دهکردی باعث توجه بیشتر به علم و دانش و معرفت دینی در این دیار گردید. این حوزه عالمانی شایسته تربیت نمود و تحویل جامعه داد. با تأسیس این مرکز علمی علمای بزرگ برای تدریس و تبلیغ مشتاقانه در آنجا حضور پیدا می‌کردند. حوزه علمیه امامیه در نشر احکام و جلب و جذب متدینین برای ارشاد و هدایت مردم نقش مؤثری داشت. در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب حوزه علمیه امامیه شهرکرد وارد مرحله تازه‌ای از مبارزه علیه حکومت شاه گردید و محل آمد و شد انقلابیون و نیز پناهگاه بسیار خوبی برای مخالفان حکومت شاه بود. با توجه به اعتقاد مردم به ارزش‌های الهی و اعتماد به روحانیون، معمولاً گروه‌های اسلامی و هیأت‌های مذهبی در طول این مبارزات در مقایسه با سایر احزاب و گروه‌ها پیشرو و فعال تر بودند، زیرا آنان در هدایت و رهبری مردم در مبارزات نقش محوری داشتند.^{۳۵}

مدارس و دانشگاه‌ها

از جمله نهادهای آموزشی دیگر دارس بودند که از نخستین زادگاه‌های فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی در استان محسوب می‌شدند که روز به روز فعالیت آن‌ها گسترده تر می‌شد. طی سال‌های منتهی به انقلاب اوضاع امنیتی استان به ویژه شهرکرد مرکز استان به ویژه با آغاز سال ۵۷ روز به روز ضعیف تر می‌شد و کنترل از دست مأموران نظامی و امنیتی بیرون رفت. مردم کم کم تلاش می‌کردند ابتکار عمل در تحولات را به دست بگیرند. فرهنگیان نیز با هدایت دانش آموزان در تحولات از فرصت‌ها به خوبی استفاده می‌کردند. حتی در هنگامی که تظاهرات مردمی برپا می‌شد به منظور استفاده از فضا و امکانات مدارس، مراکز آموزشی را باز می‌گذاشتند، تا در صورتی که به دلایلی عرصه بر تظاهر کنندگان تنگ شود، در آن مراکز پناه بگیرند. آنان ضمن اعتصاب، دانش آموزان را تشویق به شرکت در تظاهرات می‌کردند. دانشگاهیان نیز در کنار فرهنگیان به مبارزات گسترده و فراگیر کمک نموده و از رفتن به کلاس‌های درس خود داری می‌کردند. آنان به عنوان برنامه ریزان و نیز عوامل اجرایی در تظاهرات شرکت می‌کردند. این فعالیت‌های مبارزاتی با جلسات مکرر فرهنگیان راه اندازی و هدایت می‌شد.^{۳۶}

شهید رحمن استکی طی یک سخنرانی در اردیبهشت ۱۳۵۲ هـ.ش. در جمع معلمان و دانش آموزان، سیاست‌های ضد مذهبی شاه را مورد نکوهش قرار داد و از دخالت آمریکایی‌ها در ایران به شدت انتقاد نمود. این سخنرانی علاوه بر آن که مورد استقبال مخالفان رژیم شاه قرار گرفت، در سطح استان نیز بازتاب داشت. در این راستا سخنرانان با سخنان خود و عموم مردم نیز به طور معمول با شعار دادن در خیابان‌ها و راهپیمایی‌ها، حمل پلاکاردها، نوشتن شعار بر روی دیوارها و معابر عمومی، سعی داشتند تا اهداف و مطالبات خود را به نحو احسن به مخاطبان برسانند.^{۳۷} هم چنین معلمان در مدارس نیز در زمینه تشویق دانش آموزان برای شرکت در تظاهرات نقش مؤثری داشتند. از اقداماتی که در مدارس پایه ریزی شد می‌توان به نقشی آموزش دهی فرهنگیان در مدارس برای پایداری و مقاومت، اعلام حمایت و پشتیبانی فرهنگیان فارسان از فرهنگیان شهرکرد، اعتصاب فرهنگیان در فارس، اعتصاب معلمان شهرکرد مورخ ۱۳۵۷/۷/۱۶، اعتراض فرهنگیان به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تظاهرات دانش آموزان در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۷ که با راهنمایی و تشویق آموزگاران چون شهید رحمن استکی، رحمن رضوی، محمد دانش، فاضلی و رحمن کیومرثی صورت گرفت اشاره کرد.^{۳۸}

۴- منازل شخصی

از دیگر مراکزی که تحت عناوین مختلف از جمله جلسات قرآنی، دعای ندبه و توسل و یا بحث دینی، کانون‌هایی برای آشنایی مبارزین و انسجام بیشتر آنان فراهم می‌کرد، منازل شخصی بود. این محافل مورد توجه جوانان مسلمان شهر بود. در گزارش‌های ساواک برخی منازل شخصی محل توطئه انقلابیون معرفی شده است. آقای حاج محمد حیدری فارسانی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «ما با شهید رحمن استکی ارتباط داشتیم. فعالیت‌ها و اغلب جلسات را در منازل و به صورت ادواری تشکیل می‌دادیم. این فعالیت‌ها هم در شهرکرد بود و هم در فارس. ما جلساتی را در خانه خودم و نیز در منازل آقایان قدرت الله یدالهی، قدرت الله غفاری و حاج دوود بابایی تشکیل می‌دادیم. جلسات معمولاً برای ادامه فعالیت، ارائه اخبار و گزارش، استفاده از ظرفیت مساجد به ویژه در مناسبت‌های خاص، ارتباط با علماء و روحانیون، کشاندن سطح مبارزات در بین مردم و مردمی کردن مبارزات انقلابی بود.^{۳۹}

هم چنین جلسات ختم قرآن کریم و نیز ختم سوره ی انعام در منازل تشکیل می‌گردید. در این جلسات، قرآن نیز توسط روحانیون تفسیر می‌شد. در بعضی وقت‌ها نیز برخی مسئولین مثل علی نقی

نیکزاد، مهندس محمد صادق دانش آشتیانی و رئیس اداره مرکز آمار شهرکرد که از فعالان مذهبی محسوب می‌شدند و از عملکرد دولت علیه مردم ناراضی بودند با شرکت در این جلسات مردم را از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت شاه مطلع نموده و از آنان دعوت به مبارزه علیه دولت می‌کردند. این جلسات معمولاً تا پاسی از شب ادامه پیدا می‌کرد.^{۴۰}

انقلابیون در تکاپوی مبارزه

با گسترش فعالیت‌های مبارزاتی و افزایش مخالفت نیروهای مذهبی و گروه‌های هوادار امام خمینی با دولت و حاکمیت سیاسی، این گروه‌ها نیز به بسط حوزه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی خود در حمایت از نهضت دینی ادامه دادند و روز به روز به تعداد وعاظ و روحانیون مخالف که سعی می‌کردند در منابر مذهبی مردم را به سوی هواداری از نهضت امام سوق دهند افزوده می‌شد. ابتداء سخنرانان مذهبی که در مجالس بی‌محابا علیه شاه سخن می‌گفتند در استان انگشت شمار بودند، اما با حضور مؤثر روحانیت و مخالفت رو به تزاید آنان با حکومت شاه در سراسر شهرها و ولایات و طوایف بختیاری باعث شد که سخنرانان جسارت بیشتری پیدا کرده و اعتراض خود را بلند نموده و در آگاهی بخشیدن به مردم تلاش بیشتری نمایند. بر همین اساس روز به روز به شمار آنان به طور چشمگیر افزوده شد به گونه‌ای که علاوه بر علما و روحانیون برجسته، طلبه‌های حوزه‌های علمیه که تازه برای تحصیل وارد حوزه شده بودند نیز اقدام به تنویر افکار عمومی کردند.^{۴۱} علاوه بر آن روحانیون از اعیاد و برنامه‌های مذهبی و یادمان و مراسم‌هایی که برای درگذشتگان برپا می‌شد بهره برداری سیاسی می‌کردند.^{۴۲}

بنابراین مجموع این فعالیت‌ها و رخدادهای سیاسی و مبارزاتی موجب عقب نشینی حکومت پهلوی در مقابله با مردم گردید. هر چند اقشار دیگر هم چون فرهنگیان، بازاریان و سایرگروها در حرکت شتابان انقلاب نقش فعالی داشتند، اما در حقیقت نهادهای مذهبی به رهبری روحانیت بیش از دیگران توانست با فداکاری و ارتباط مؤثر و چهره به چهره با مردم در جامعه پذیری سیاسی و ایجاد باور مشترک مبتنی بر اعتقادات مذهبی ایفای نقش نمایند.^{۴۳}

کارکرد روحانیون در کانون‌های انقلابی و عملکرد آنها در ایجاد همبستگی بین مردم

در سال‌های مبارزه برای پیروزی انقلاب، روحانیت همواره با هدایت مردم، پرچمدار مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های رژیم پهلوی بودند. روحانیت در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نقش

مرجع و هدایت کننده‌ای داشته و معنویت گرایان سیاسی بودند که توانستند توده‌ها را به جنبش و حرکت در آورند.^{۴۴} روحانیون تنها به گفتن احکام شرعی و مسائل دینی اکتفا نمی‌کردند، بلکه دانش و بیش مسائل دینی و سیاسی و آگاهی از تحولات روز و بصیرت بالای آنان باعث شد تا در نزد مردم از جایگاه مهمی برخوردار شوند و فعالیت‌های مبارزاتی و روشنفکرانه خود را مبتنی بر اعتقادات دینی و مذهبی ادامه دهند.^{۴۵}

آنان میزان توانایی خود را در بسیج سیاسی مردم علیه رژیم به خوبی نشان دادند و رهبری تحول سیاسی جامعه از نظام سلطنتی به سوی نظامی اسلامی و جمهوری را در دست گرفتند.^{۴۶} درحقیقت روحانیت مبارز و انقلابی علاوه بر نشر دانش و بینش دینی و سیاسی و انجام فعالیت‌های روشنگرانه، از همان آغاز نهضت امام خمینی (ره) شخصیت‌های سیاسی که مخالف فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی و همسو با حکومت پهلوی بوده اند را مورد طعن و لعن قرار می‌دادند. هر چند که در مواردی برخی از آن شخصیت‌ها، به دلایل شخصی با شاه هم مخالف بوده اند.^{۴۷}

بنابراین روحانیت از مساجد به عنوان مهم‌ترین کانون‌های قدرت و پایگاهی برای تبلیغ دین و آموزش و نقطه اتکایی در برابر حکومت شاه به خوبی استفاده کردند. آنان در نهایت به وسیله ایدئولوژی، که به مذهب تشیع استوار بود موفق شدند وضعیتی آرمانی از حکومت فقیه جامع الشرایط به نیابت از امام معصوم را عرضه نمایند. امام خمینی (ره) نیز به منزله رهبر اصلی انقلاب، از عنصر آگاهی و اندیشه و برنامه بدون مبارزه غافل نبوده و خود بیش‌ترین تلاش را برای آگاهی بخشی به توده‌ها انجام داد و با تأکید بر این که «آقایان موظف‌اند ملت را آگاه کنند، علما موظف‌اند ملت را آگاه کنند...»^{۴۸} پیام‌ها، اعلامیه‌ها و سایر مکتوبات خود را خطاب به روحانیون، علمای ربانی و سایر طبقات مردم نوشت و مبارزه را با آگاهی بخشی آغاز نمود. چارچوب عقیدتی که نیروهای انقلاب را با هم متحد نمود اسلام بود. ایدئولوژی پویا و امید بخشی که طرحی برای دگرگونی بنیادین نظام اجتماعی را در درون خود دارد و امام خمینی در بهترین صورت از آن بهره برداری انقلابی نمود.^{۴۹}

سرانجام ائتلاف مردمی نیروهای مخالف حکومت شاه متشکل از اقشار مختلف مردم در قالب کارمندان، کارگران، کشاورزان، فرهنگیان، دانشگاهیان، بازاریان و روحانیون باعث عقب نشینی رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) گردید.^{۵۰}

نتیجه

از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران، حضور گسترده مردم در آن بود، به طوری که مردم شهرهای مختلف کشور در مراحل شکل‌گیری انقلاب نقش اساسی را به عهده داشتند. بر اساس فرضیه اصلی این مقاله مردم استان چهارمحال و بختیاری مانند مردم سراسر کشور با محوریت روحانیت، نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که علاوه بر اقشار مختلف مردم در شهرها، مردم روستاها و عشایر نیز همگام با مبارزان در شهرهای استان در مبارزات انقلابی ایفای نقش نمودند. کانون‌های انقلابی که در طی سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب در استان شکل گرفت از شبکه‌های مردمی در حرکت‌های انقلابی بودند. پر رونق‌ترین کانون‌های انقلابی موجود در استان عبارت بودند از: مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، مدرسه علمیه امامیه شهرکرد، هیأت محمدیه بروجن، هیأت ابوالفضل(ع) شهرکرد، کانون جوانان اسلامی بروجن وانجمن مددکاران امام زمان(عج). افراد مؤثر انقلابی از اقشار مختلف در این کانون‌ها با ترویج عقاید انقلابی، سازماندهی و برنامه‌ریزی در تنظیم فعالیت‌های مبارزین نقش به‌سزایی در وحدت و انسجام حرکت‌های پراکنده انقلابیون استان داشتند.

این کانون‌ها از شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شدند که در حفظ همبستگی بین مردم و روحانیون عامل مؤثری به شمار می‌آمدند. جلسات این کانون‌ها به طور معمول در مساجد، مدارس، حسینیه‌ها و در خانه‌های مبارزین انقلابی تشکیل می‌شد. این کانون‌ها به عنوان شبکه‌های مبارزاتی از سال ۵۶ بی‌وقفه به صورت هفتگی و ماهانه فعالیت می‌کردند. اعضای کانون‌ها برای مشارکت فعال مردم با این شبکه‌های گسترده و بدون هزینه مالی اخبار و اطلاعات را دهان به دهان بیان نموده و افکار عمومی را تهییج می‌کردند. این کانون‌ها به لحاظ کارکردی موقعیت متمیزی به روحانیت اعطا کرد و ارتباط آن‌ها را با گروه‌های مختلف مردم مرتبط می‌ساخت. نفوذ گسترده این شبکه‌های اجتماعی به روحانیون امکان می‌داد تا با استفاده از شور و شعور مذهبی مردم، توده‌ها را به حرکت درآورده و آن‌ها را در جهت اهداف خود بسیج نمایند و با دورترین نقاط استان نیز ارتباط برقرار کنند و از این انسجام حرکت‌های خودجوش مردمی بهره‌برداری کنند. در حقیقت مساجد از مهم‌ترین کانون‌های قدرت روحانیون و پایگاهی برای تبلیغ دین و آموزش و نقطه اتکایی در برابر حکومت پهلوی بود. وجود این پایگاه‌های معنوی و برخوردار از روحانیت از پشتوانه مردمی، امتیازی

بود که هیچ حزب و گروهی نتوانست در طول حیات خود به دست آورد. اینها از جمله منابع قدرتی بودند که حتی حکومت پهلوی هم نتوانست از آنها به خوبی بهره برداری کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها

- ۱ صباغ جدید، محمد حسین (۱۳۸۶). **گذری بر انقلابی اسلامی**. تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۹.
- ۲ نیکزاد امیر حسینی، کریم (۱۳۵۴). **شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری**، جلد ۱، تهران: چاپ نشاط، ص ۷۷.
- ۳ عاقلی، باقر (۱۳۷۴). **نخست وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ص ۲۱۹.
- ۴ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۸). **روایت اسناد ساواک در استان چهارمحال و بختیاری**، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۱۷.
- ۵ بهرامی، روح الله (۱۳۸۹). **انقلاب اسلامی در کرمانشاه**، جلد ۱، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۶۰۵.
- ۶ همان، ۲۸۳.
- ۷ مصاحبه با آقای صفرعلی نیازی، شهرکیان، متولد ۱۳۲۶، کارگر، تاریخ مصاحبه ۹۴/۸/۴.
- ۸ آخوندی، اردشیر (۱۳۸۵). **میراث فرهنگی، گردشگری و صنعتی استان چهارمحال و بختیاری**، شهرکرد: اداره کل میراث فرهنگی چهارمحال و بختیاری، ص ۱۹.
- ۹ مصاحبه با آقای ابراهیم اشراقیان، شهرکرد، متولد ۱۳۳۵، کارمند بانک ملت، تاریخ مصاحبه ۹۴/۸/۱۳.
- ۱۰ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۲۰۴.
- ۱۱ آخوندی، همان، ص ۹۲.
- ۱۲ رفیعی، مریم (۱۳۹۲). **چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی در شهر بروجن**، (پایان نامه کارشناسی ارشد) تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ص ۱۲۴.
- ۱۳ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۱۸۳.
- ۱۴ رفیعی، همان، ص ۱۲۲.
- ۱۵ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۵.
- ۱۶ مصاحبه با آقای قربانعلی حجتی، بروجن، متولد ۱۳۲۹، بازاری، تاریخ مصاحبه ۹۴/۹/۸.
- ۱۷ همان.
- ۱۸ نیکوزاد، مریم (۱۳۹۱). **روند شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در شهرکرد براساس نظریه پخش «هاگراستراند»**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شاهد، ص ۷۸.
- ۱۹ مصاحبه با آقای رحمن رضوی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۳/۸/۱۶.
- ۲۰ مصاحبه با خانم سکینه بنایی، بروجن، متولد ۱۳۴۴، خانه دار، تاریخ مصاحبه ۹۱/۷/۲۱.

- ۲۱ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۱۵۵.
- ۲۲ همان، ص ۹۰.
- ۲۳ ولایتی، علی اکبر(۱۳۸۴). **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، چاپ دوم، جلد چهارم، ص ۲۵۴.
- ۲۴ مصاحبه با خانم روح انگیز کرمی، بروجن، متولد ۱۳۴۱، تاریخ مصاحبه ۹۱/۷/۱۸
- ۲۵ جعفریان، رسول(۱۳۸۶). **جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران**، قم، نشر مورخ، چاپ هفتم، ص ۴۲۶.
- ۲۶ همان، ص ۴۳۲.
- ۲۷ مصاحبه با سید تقی جعفریان، شهرکرد، متولد ۱۳۱۸، معلم بازنشسته.، تاریخ مصاحبه ۸۹/۵/۲۴
- ۲۸ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۳۰.
- ۲۹ همان، ص ۲۰۰.
- ۳۰ رفیعی، همان، ص ۱۲۳.
- ۳۱ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۱۴۷.
- ۳۲ رفیعی، همان، ص ۱۲۰.
- ۳۳ اکبری معلم، علی (۱۳۸۷). **علل و عوامل فرو پاشی رژیم پهلوی با تأکید بر نقش کار ویژه الگو**، قم، چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به سفارش دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)، ص ۲۸۲.
- ۳۴ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۳۳۶.
- ۳۵ مصاحبه با آقای محمد حیدری فارسانی، فارسان، متولد ۱۳۴۰، تاریخ مصاحبه ۹۴/۹/۸
- ۳۶ اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، همان، ص ۲۷۳.
- ۳۷ مصاحبه با آقای عباس پیکار، شهرکرد، متولد سال ۱۳۴۱، بازنشسته. تاریخ مصاحبه ۹۴/۸/۱۸
- ۳۸ مصاحبه با آقای محمد تقی طاهری، بروجن، متولد ۱۳۴۰، معلم، تاریخ مصاحبه ۸۹/۶/۱۶
- ۳۹ اکبری معلم، همان، ص ۳۰۲.
- ۴۰ ولایتی، همان، ص ۲۴۸.
- ۴۱ شعبانی، رضا (۱۳۸۶). **مبانی تاریخ اجتماعی ایران**، تهران، نشر قومس، چاپ هفتم، ص ۱۳۷.
- ۴۲ مظفری، آیت (۱۳۸۷). **مناسبات روحانیت و دولت در ایران معاصر**، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ص ۲۶۷.
- ۴۳ احمدوند، شجاع (۱۳۷۴). **فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران**، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اساتید، ص ۹۴.
- ۴۴ امام خمینی (ره) (۱۳۶۱). **صحیفه نور**. تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. جلد ۶، ص ۱۰۷.

- ۴۵ اشرف، احمد و بنو عزیزی، علی (۱۳۸۸). **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، ص ۱۹۸.
- ۴۶ واثقی راد، محمدحسین (۱۳۷۸). **مصلح بیدار**، تهران، انتشارات صدرا، ص ۱۵۵.
- ۴۷ احمدوند، شجاع (۱۳۷۴). **فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران**، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اساتید، ص ۹۴.
- ۴۸ امام خمینی (ره) (۱۳۶۱). **صحیفه نور**. تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. جلد ۶، ص ۱۰۷.
- ۴۹ اشرف، احمد و بنو عزیزی، علی (۱۳۸۸). **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، ص ۱۹۸.
- ۵۰ واثقی راد، محمدحسین (۱۳۷۸). **مصلح بیدار**، تهران، انتشارات صدرا، ص ۱۵۵.

